

بازنمایی سبک ازدواج در خانواده‌های مذهبی (مطالعه موردی):

سریال فاصله‌ها)

فاطمه بهشتی^۱، حدیثه اسفندیار^۲

چکیده

تلویزیون یکی از مهمترین ابزارهای جامعه‌پذیری در جوامع امروزی است و سریال‌های تلویزیونی یکی از بهترین ابزارها در انتقال و تغییر ارزش‌ها و باورهای زندگی اجتماعی هستند. مسئله اصلی تحقیق حاضر نحوه بازنمایی سبک ازدواج در یکی از سریال‌های پر بیننده تلویزیون در خانواده‌های مذهبی در دهه ۸۰ است. بر همین اساس سریال فاصله‌ها با استفاده از تحلیل نشانه‌شناختی بررسی می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هرچند ازدواج واقعیتی تاریخی در ابعاد جهانی است و انواع مختلفی از سبک‌ها را شامل می‌شود، اما شیوه نمایش تلویزیون از روش‌های همسرگزینی، همیشه صورتی محدود و هدفمند داشته است. در این سریال سه نوع بازنمایی ازدواج وجود دارد: ازدواج سنتی، ازدواج نیمه‌سنتی و ازدواج مدرن که هرکدام از این شیوه‌ها با دلالت‌های رسانه‌ای مختلف رمزگذاری شده‌اند. در این سریال تلاش می‌شود که سبک ازدواج نیمه‌سنتی، الگوی مطلوب در سینما بوده و ترویج شود.

واژگان کلیدی: بازنمایی، ازدواج، نشانه‌شناسی، خانواده‌های مذهبی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی تبلیغ و ارتباطات از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:h90546@gmail.com

۲. مربی گروه تبلیغ و ارتباطات، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Hs_esfandiyar@yahoo.com ORCID ID:4196-0000-0002-6515

۱. مقدمه

رسانه‌ها نقش مهمی در تحولات اجتماعی دوران معاصر بازی می‌کنند. رسانه‌ها به دلیل کارکردهایی که دارند اثری عمیق نیز دارند. از نظر پژوهشگران علوم اجتماعی رسانه‌ها در ردیف عوامل اجتماعی کردن و شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه هستند. رسانه‌های جمعی قادر به تقویت و یا تضعیف هنجارهای اجتماعی هستند. رسانه‌های جمعی در تغییر و تضعیف ارزش‌ها و شکل‌گیری باورهای منفی نیز کارکرد مؤثری دارند. (مریجی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳) رسانه‌های جمعی کارکردی دوگانه دارند. برنامه‌های تلویزیونی همان‌طور که قادر هستند برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی را برطرف کنند به همان شکل نیز می‌توانند بر این مشکلات بیفزایند و این امر به نقشی که این رسانه در جامعه برعهده می‌گیرد، بستگی دارد (صادقی فسایی، ۱۳۹۰، ص ۷۰). تلویزیون یکی از مهمترین عوامل جامعه‌پذیری در جوامع است. جامعه‌پذیری رسانه‌ای فرایند تلقین نهان است. ویژگی این نوع جامعه‌پذیری آن است که انسان را در حال یادگیری و پذیرش ارزش‌هایی خاص و فرارگرفتن در قفسی نامرئی از باورهای مشخص القا شده قرار می‌دهد. فرایند انتقال ارزشی در تلویزیون به اندازه‌ای پنهان است که تصور می‌شود انتخاب ارزش‌ها و باورها در انسان آزاد است، اما تلویزیون با قدرت بی‌بدیل رسانه‌ای خود همیشه در حال دستکاری واقعیت و جهت‌دهی به آن است و بسته به شکل واقعیتی که می‌سازد، می‌تواند در راستای منافع خاصی عمل کند، هنجارها و باورها را به چالش کشیده و الگوهای دیگری را جایگزین آنها کند؛ الگوهایی که در خدمت به ایدئولوژی‌های خاصی عمل می‌کنند (صادقی فسایی، ۱۳۹۰، ص ۷۰).

متون رسانه‌ای متونی برساختی هستند که برمبنای مکانیسم بازنمایی عمل می‌کنند. واقعیت در متون رسانه‌ای از قبل رمزگذاری شده است؛ رمزگذاری‌هایی که در فرایند فهم باعث رمزگشایی‌های گوناگونی می‌شوند. هدف مقاله حاضر پاسخ به این سؤال است که ازدواج درمیان خانواده‌های مذهبی در رسانه ملی چگونه مورد بازنمایی قرار می‌گیرد. برای پاسخ به این سؤال با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناختی از رمزگذاری‌های رسانه ملی در سریال تلویزیونی فاصله‌ها رمزگشایی می‌شود تا گونه‌های ازدواج و رمزگان‌های مختلف آن مشخص شود. هدف از تحلیل

نشانه‌شناختی، معلوم کردن لایه‌های پنهان از معانی رمزگذاری شده‌ای است که در ساختار متون تلویزیونی بازنمایی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

علی جعفری در پژوهش «آسیب‌شناسی بازنمایی ازدواج در سینمای ایران» به مطالعه روند عمومی بازنمایی ازدواج در سینمای دوره اصلاحات و اصول‌گرایی و آسیب‌های آن می‌پردازد. وجه تمایز آن با مقاله حاضر در این است که این بازنمایی در حوزه سینما صورت گرفته است، ولی نگارندگان بر آن هستند که در حوزه تلویزیون این موضوع را بررسی کنند. سهیلا صادقی فسایی در مقاله «بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی» به تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های بازنمایی ازدواج در سریال‌های پربیننده سیما در دو دهه ۷۰ و ۸۰ می‌پردازد. وجه تمایز مقاله مذکور با پژوهش حاضر، بازنمایی ازدواج در خانواده‌های مذهبی در یکی از سریال‌های پربیننده دهه ۸۰ است. رضا مهکام (۱۳۸۳) نیز در مقاله «تصویر ازدواج در رسانه ملی» تصویر ازدواج در ادوار مختلف انقلاب اسلامی ایران را تحلیل می‌کند. وجه تمایز آن با پژوهش حاضر این است که تصویر ازدواج در فیلم‌های تلویزیونی در این ادوار را به صورت کلی بررسی کرده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از پژوهش‌های کیفی است که باروش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها در حوزه نظری از مطالعات کتابخانه‌ای و در حوزه عملیاتی از روش اسنادی استفاده شده است. برای تحلیل اطلاعات از تکنیک نشانه‌شناختی استفاده شده است. نشانه‌شناسی، غالب‌ترین الگوی روش‌شناختی مطالعات تصویری به معنای مطالعه تولید اجتماعی معنا براساس نظام‌های نشانه‌ای است. (اسولیوان و هارتلی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۰) در نشانه‌شناسی به محتوای آشکار پیام‌ها توجه زیادی نمی‌شود، بلکه از دل فرایند رمزگشایی، سطوح معنایی پنهان در دل متون بررسی می‌شود (deely, j, hartley, j, ۱۹۹۰، ص ۱۱). براساس روش تحلیل رمزگان جان فیسک، هدف از تحلیل نشانه‌شناختی، معلوم کردن لایه‌های معانی

رمزگذاری شده‌ای است که در ساختار متن وجود دارد (فیسک، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰). فرهنگ فیلم و تلویزیون، ساختاری سلسله‌مراتبی از رمزها در سه سطح ایدئولوژی، بازنمایی و واقعیت است. واقعه‌ای که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است؛ یعنی سطح واقعیت و برای اینکه از نظر فنی قابل پخش باشد از فیلتر رمزهای فنی می‌گذرد و به وسیله رمزگان ایدئولوژیک در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). تصویری که فیلم از جامعه و روابط اجتماعی ارائه می‌دهد پیشاپیش با رمزهای اجتماعی مانند لباس، ظاهر، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست و... رمزهای فنی مانند فاصله و زاویه دوربین و رمزهای ایدئولوژیک مانند فردگرایی، پدرسالاری، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و... رمزگذاری شده است (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۴). جامعه آماری پژوهش حاضر سریال‌های پربیننده سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بوده و از میان آنها به روش نمونه‌گیری هدفمند، سریال فاصله‌ها یعنی، سریالی پرمخاطب در زمان مذکور و در راستای موضوع و اهداف تحقیق برای نمونه آماری انتخاب شده و از نظر نشانه‌شناسی بررسی می‌شود.

۴. پرسش‌های پژوهش

۴-۱. سؤال اصلی

شیوه بازنمایی سبک ازدواج در خانواده‌های مذهبی در سریال فاصله‌ها چیست؟

۴-۲. سؤال‌های فرعی

- سبک ازدواج چیست؛

- گونه‌های ارائه شده سبک ازدواج در سریال فاصله‌ها چیست؛

- در سریال فاصله‌ها برای بازنمایی سبک ازدواج از چه رمزگان فنی، اجتماعی و ایدئولوژی

استفاده شده است.

۵. مفهوم‌شناسی

۱-۵. بازنمایی

امروزه مفهوم بازنمایی در مطالعات رسانه جایگاه برجسته‌ای دارد. بازنمایی به این نکته اشاره دارد که پدیده‌ها فی‌نفسه معنایی ندارند، بلکه معنای پدیده‌ها محصول چگونگی بازنمایی آنهاست. (هال ۲۰۰۳، ص ۲) بازنمایی به صورت معناسازی از راه به‌کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم یا استفاده از یک چیز به جای چیزی دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌شود. بازنمایی فرایند تولید و مبادله معنا بین اجزای یک فرهنگ با به‌کارگیری زبان، نشانه‌ها و تصاویر برای بازنمایی مطالب است (گتایی، ۱۳۹۲، ص ۷۱). باورپذیری (بازنمایی) با راستین بودن (واقعیت) متفاوت است. آگاهی محصول واقعیت نیست بلکه محصول بازنمایی از واقعیت است (وان لوین و جویت، ۲۰۰۲، ص ۱۷).

۲-۵. رهیافت‌های بازنمایی

استوارت هال از مطرح‌ترین چهره‌های مطالعات فرهنگی است. آثار وی درباره بازنمایی و اهمیت آن در فرهنگ رسانه محور امروزی این مفهوم را به یکی از بنیادی‌ترین مسائل حوزه مطالعات فرهنگی تبدیل کرده است. (هال، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰) درحال حاضر سه رویکرد بازتابی، تعمدی و برساختی درباره چگونگی بازنمایی جهان وجود دارد که در تحقیق حاضر از رویکرد برساخت‌گرایی استفاده شده است (هال

۲۰۰۳، ص ۲۵). نگاه برساختی به بازنمایی مدعی است که معنا «در» و «به‌وسیله» زبان ساخته می‌شود. براساس این رهیافت، این جهان مادی نیست که حاوی و ناقل معنا باشد، بلکه این سیستم زبان است که برای ارائه مفاهیم استفاده می‌شود. کنشگران اجتماعی از نظام‌های مفهومی فرهنگ و زبان خود و سایر نظام‌های بازنمایی برای ساخت معنا استفاده می‌کنند تا بدین وسیله جهان را معنا دار کنند (هال، ۱۳۸۷، ص ۳۵۲). یکی از شاخه‌های مهم رویکرد

برساخت‌گرایی، نشانه‌شناسی است. پرسش اصلی در بررسی نشانه‌شناسانه این است که معناها چگونه ساخته می‌شوند و واقعیت چگونه بازنمایی می‌شود (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

تحلیل نشانه‌شناختی با معنای متون سروکار دارد و معنا محصول رمزگذاری و نتیجه روابط بین نشانه‌هاست. (جانسون و لارسن، ۲۰۰۲، ص ۱۳) نشانه‌شناسی به همه حوزه‌هایی که به‌گونه‌ای با ارتباطات و انتقال اطلاعات سروکار دارند، مربوط می‌شود. موضوع نشانه‌شناسی، بررسی شیوه‌های تولید نظام‌های معنا بخش است. نشانه‌شناسی مربوط به هر چیزی است که به جای دیگری می‌نشیند. باید به یاد داشت که نمی‌توان نشانه‌ها را به شیوه‌ای مجزا مطالعه کرد، بلکه مطالعه هر نشانه در نظام نشانه‌ای، ژانر یا رسانه و موضوع مورد نظر معنا دارد (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در نشانه‌شناسی، رمزگان‌ها قواعد انتقال پیام‌هایی هستند که توسط نشانه‌ها حمل شده و با رمزگشایی قابل خوانش می‌شوند. رمزگان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که میان ارسال‌کننده پیام و دریافت‌کننده آن پیوند برقرار کرده و نشانه را به نظام‌های معنا دار تبدیل می‌کنند که در چارچوب آنها میان دال و مدلول نوعی همبستگی ایجاد می‌شود. فرایند خلق یا تفسیر یک متن که به ترتیب رمزگذاری و رمزگشایی نام دارد متضمن برخورداری از این رمزگان‌ها یا قراردادها برای ایجاد ارتباط است (ضیمران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). براساس نظر جان فیسک، فرهنگ فیلم و تلویزیون، ساختاری سلسله‌مراتبی از رمزها در سه سطح ایدئولوژی، بازنمایی و واقعیت دارد. به عبارت دیگر واقعه‌ای که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود از قبل با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است؛ یعنی سطح واقعیت و برای اینکه از نظر فنی قابل پخش باشد از فیلتر رمزهای فنی می‌گذرد و به وسیله رمزگان ایدئولوژیک در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

۳-۵. بازنمایی ازدواج در تلویزیون^۱

هرچند ازدواج واقعیتی تاریخی در ابعاد جهانی است که انواع مختلفی از الگوها را شامل می‌شود؛ یعنی الگوهایی که گاه در تضاد با یکدیگر واقع می‌شوند، اما شیوه بازنمایی‌های رسانه‌ای از شیوه‌های همسرگزینی، همیشه صورتی محدود و هدفمند دارند. تلویزیون در فرآیند بازنمایی فرهنگی از ازدواج سه‌گونه بازنمایی از الگوهای ازدواج را به خود دیده است: ازدواج سنتی، نیمه‌سنتی و مدرن. ازدواج سنتی شیوه‌ای از پیوند است در آن، فرهنگ و رسوم اخلاقی پیشینیان یک قوم بر چگونگی شکل‌گیری آن غلبه دارد. در این ازدواج‌ها خانواده نماینده سنت است و به دلیل اقتدار سنت، اقتدار آنها نیز چشمگیر و تعیین‌کننده است. ازدواج مدرن شیوه‌ای از پیوند است که ارزش‌های سنت پیشین را به چالش کشیده و به دنبال یافتن الگوهایی جدید برای انتخاب همسر است. به دنبال این چالش، قدرت خانواده در تصمیم‌گیری تضعیف و قدرت فرد در انتخاب همسر تقویت می‌شود. وجه تمایز مشخص بازنمایی ازدواج سنتی از ازدواج مدرن در سریال‌های تلویزیونی در دو عامل میزان روابط پیش از ازدواج و میزان دخالت خانواده‌هاست. در بازنمایی رسانه‌ای، این دو عامل در تقابل با یکدیگر قرار دارند؛ یعنی افزایش هرکدام باعث تضعیف دیگری می‌شود. حدمناسب بین این دو انسان را به ازدواج نیمه‌سنتی رهنمون می‌کند. ازدواج نیمه‌سنتی رویکرد جدیدی در رسانه ملی است که از اواسط دهه ۸۰ و در تقابل با ازدواج‌های مدرن وارد مجموعه‌های تلویزیونی شده است. ازدواج نیمه‌سنتی ناشی از برآیند تحولات مدرن و تغییرات سنت در طول زمان است. ازدواج نیمه‌سنتی بر سنت پویا تأکید دارد. سنت پویا سنتی در قید تغییر است که تلاش می‌کند خود را با تحولات دنیای مدرن هماهنگ کند.

۱. از آنجایی که مبحث پیاده شده در مقاله بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی اثر خانم سهیلا صادقی فسایی، کاملاً منطبق بر هدف مقاله نویسندگان بوده و با عنایت به عدم منبع کافی در این زمینه، مطالب مذکور از مقاله یاد شده اقتباس شده است.

۵-۴. ازدواج

ازدواج در قالب پدیده‌ای اجتماعی و مقدمه و منشأ خانواده، یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی-زیستی و فرهنگی مربوط به انسان و جامعه است. (محبی، ۱۳۹۲، ص ۱۳) در تعریف ازدواج آمده است: «ازدواج فرایندی است که از کشش متقابل بین دو فرد (یک مرد و یک زن) که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی را برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند، ایجاد شده و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳). سبک ازدواج به رویه و منطق حاکم بر فرآیند شکل‌گیری انتخاب‌های یک فرد برای تکوین، تحقق و تثبیت ازدواج از قبل تا بعد از تشکیل زندگی مشترک گفته می‌شود. این سبک ناظر بر مجموعه عناصری است که به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و خانواده را پدید می‌آورد. اتحاد و نظام‌مندی، هر خانواده را از خانواده‌های دیگر متمایز می‌کند (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱. خلاصه داستان

داستان درباره پسری به نام سعید است که در یک خانواده مذهبی و سنتی بزرگ شده است، اما با روحیه تنوع‌طلب و مدرنی که دارد علاقه‌مند است شیوه‌های زندگی نوین را که دوستی‌های خیابانی از آن زمره است، برگزیند. او ابتدا با خواهر دوست دختر ساسان که برادرزاده شوهر عمه‌اش است، آشنا می‌شود و با او طرح دوستی می‌ریزد تا اینکه با تصادفی همه چیز به هم می‌ریزد. محسن پدر سعید که فردی مذهبی و از رزمندگان دفاع مقدس است با آگاهی از موضوع ارتباط سعید با آن دختر با پیگیری‌هایی که انجام می‌دهد باعث به هم خوردن ارتباطشان می‌شود. از طرفی سعید با وجود میل پدرش با ساسان که فردی بی‌مبالات و بی‌قید است دوستی خود را ادامه می‌دهد. او که پولی را از پدرش قرض گرفته و به ساسان داده است برای پس دادن پول پدرش نزول می‌گیرد و برای پراخت اقساط آن مجبور می‌شود کار کند. ساسان براساس نقشه قبلی، سعید را به یک مرکز تهیه غذا معرفی می‌کند. سعید در آنجا استخدام می‌شود. به مرور زمان

بین او و بیتا دختری که در آنجا کار می‌کند رابطه عاطفی شکل می‌گیرد و آنها با هم طرح دوستی می‌ریزند. با وجود رابطه خوبی که به تدریج بین محسن و سعید به وجود آمده است، اما محسن متوجه رفتارهای مشکوک سعید می‌شود و با پیگیری کارهای او متوجه می‌شود که او دانشگاه را ترک کرده و مشغول کار در تهیه غذای صبا شده است. او برای اینکه مانع از کارکردن سعید در آنجا شود به ملاقات صاحب محل کار او می‌رود. در آنجا لیلا و محسن که در دوره جنگ با هم نامزد بوده‌اند همدیگر را می‌بینند و روابط عاطفی بین آنها شکل می‌گیرد. محسن که در جریان مشکلات لیلا در رابطه با پیدا کردن دخترش قرار می‌گیرد، سعی می‌کند به او کمک کند، اما جریان رابطه‌اش با لیلا را از سعید مخفی می‌کند. سعید که به واسطه نقشه ساسان برای پیدا کردن چک و سفته‌های مهران داماد ناخلف لیلا وارد دفتر کار لیلا شده است عکس دوره نامزدی لیلا و پدرش را می‌یابد و به رابطه مشکوک بین آن دو پی می‌برد.

همین مسئله دست‌آویزی می‌شود برای او تا رابطه‌اش را با بیتا تحکیم ببخشد و با این بیان که این رابطه، رابطه‌ای مطلوب و سالم است به فکر ازدواج با بیتا بیفتد. محسن که تلاش‌هایش برای منصرف کردن سعید از رابطه‌اش با بیتا ناکام مانده است با تعقیب و تهدید بیتا می‌خواهد بین او و سعید جدایی بیندازد. در همین زمینه متوجه می‌شود که بیتا دختری فاسد است و به جز سعید با مردان هوس‌باز دیگر ارتباط دارد. همین مسئله محسن را تحریک می‌کند تا اینکه با یافتن محل زندگی بیتا او را می‌بیند و تهدیدش می‌کند تا دست از رابطه‌اش با سعید بکشد. بیتا که از این برخورد محسن به شدت ناراحت شده است، تصمیم می‌گیرد با تقویت رابطه‌اش با سعید به مقابله بیشتر با محسن بپردازد. بیتا با کتمان حقیقت و دروغ‌هایی که به سعید می‌گوید، سعی دارد رابطه او را با پدرش تخریب کند و خودش را به او نزدیک‌تر کند. سعید که حرف‌های بیتا را درباره پدرش باور کرده است با مطرح کردن آگاهی‌اش از مسئله ازدواج و ارتباط محسن و لیلا از آن برای نقطه‌ضعفی علیه پدرش استفاده می‌کند. رابطه بین سعید و محسن بدتر از قبل می‌شود. عمو رضا که از مسئله بین پدر و پسر آگاه است با راهنمایی سعید او را وامی‌دارد تا درباره بیتا بیشتر تحقیق کند. سعید که به کارهای و رفتارهای بیتا مشکوک شده است تصمیم به تحقیق درباره او

می‌گیرد تا اینکه متوجه می‌شود چیزهایی که دیگران درباره بیتا به او می‌گفته‌اند حقیقت داشته است. بیتا او را توجیه می‌کند که به دلیل تأمین دیه پدرش که برای نجات او از دست مردی متجاوز مرتکب قتل شده و در زندان است این کارها را می‌کند. در نهایت سعید که از بیتا متنفر شده است رابطه‌اش را با او قطع می‌کند اگرچه به وسیله عمو رضا سعی در کمک کردن به پدر بیتا را دارد. سعید دوباره رابطه‌اش را با پدر بهبود می‌بخشد و به او و لیلا کمک می‌کند تا به هم برسند. بیتا همچنان به کارهای دزدی و فحشای خود ادامه می‌دهد و نتیجه شوم عمل خودش را می‌بیند.

۲-۶. تحلیل رمزگان

۱-۲-۶. رمزگان فنی

- زمان و مکان: سریال فاصله‌ها سریالی است که در اواخر دهه هشتاد تولید شد. این سریال به سه نوع سبک ازدواج می‌پردازد. سبک ازدواج سنتی که به صورتی کم‌رنگ و بیشتر در قالب حرف به آن اشاره می‌شود. در طول سریال دو زوج جوان دیده می‌شوند (نیما و زهره) که به سبک ازدواج آنها اشاره‌ای نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد که ازدواج آنها به گونه سنتی و با رسم و رسومات خاص صورت گرفته شده باشد. بیشترین نمود ازدواج را در دو نوع دیگر یعنی، ازدواج مدرن (سعید و بیتا - شیدا و ساسان) و ازدواج نیمه مدرن (علی و ریحانه - محسن و لیلا) دیده می‌شود. در نهایت هم رسانه صدا و سیما مهر تأیید را بر گونه سوم یعنی، ازدواج نیمه مدرن می‌زند. به نظر می‌رسد رسانه ملی با پیگیری این سیاست در موجه یا طرد جلوه دادن گونه خاصی از سبک ازدواج سعی دارد هماهنگ با فرهنگ حاکم بر جامعه پیش برود تا اینکه خود نقشی سازنده در تولید فرهنگ داشته باشد. سبک ازدواج نیمه سنتی، سبکی رایج در ازدواج است که در بیشتر سریال‌های دهه هشتاد دیده می‌شود. شاید بالا رفتن سن ازدواج جوانان در جامعه، پاسخ‌گو نبودن سبک ازدواج سنتی با رویکردهای خاص آن و عدم مطلوب جلوه دادن آن بین قشر تحصیل کرده را بتوان از عواملی یاد کرد که جوانان را به سمت ازدواج مدرن و نیمه مدرن سوق می‌دهد. در این میان رسانه برای مدیریت فرهنگی در جامعه اقدام به ساخت و پخش سریال‌هایی می‌کند که به صراحت در آنها ازدواج به سبک مدرن طرد می‌شود و مضرات و خطرات آن را به جوانان یادآوری می‌کند.

ازسوی دیگر برای اینکه از فرهنگ جامعه عقب نماند و بتواند مخاطب بیشتری را به سوی خود جذب کند با تأکید بر سبک ازدواج نیمه مدرن آن را مطلوب و موجه جلوه می دهد.

از نظر رسانه، این گونه سبک ازدواج نه تنها بین جوانان مطلوب است که حتی نسل های گذشته هم می توانند بنیان زندگی خود را بر این پایه بنا کنند. بنابراین، می توان گفت که رسانه ملی در تبلیغ و ترویج سبک ازدواج همگام با جامعه، خود را تطبیق داده است. وقایع داستان در تهران رخ می دهد. اولین دلیلی که می توان برای آن ذکر کرد این است که غالب تولیدات تلویزیونی و سینمایی که در کشور تولید می شود در پایتخت رخ می دهد. بالا بودن امکانات و دسترسی آسان به امکانات و کم هزینه تر بودن فیلمسازی در پایتخت، سازندگان را ترغیب می کند تا در تهران پروژه های خود را تولید کنند. از طرف دیگر بیشتر تولیدکنندگان آثار سینمایی و تلویزیونی در تهران زندگی می کنند و برایشان مطلوب تر این است که درباره زندگی و سبک زندگی در پایتخت فیلم بسازند. فرهنگ شهرهای دیگر به دلیل عدم رواج و تبلیغ، تأثیری در فرهنگ مردم پایتخت نمی گذارد، اما هر فرهنگی که در پایتخت ایجاد می شود از راه تبلیغات و به ویژه از راه رسانه ملی به سرعت در شهرهای دیگر ترویج شده و مورد استقبال عموم قرار می گیرد. یکی از این فرهنگ ها سبک ازدواج است. در حالی که در بیشتر شهرستان ها و شهرهای کوچک، سبک ازدواج برمبنای رسم و رسومات سنتی صورت می گیرد، اما مخاطب جوان در رسانه ملی با گونه جدیدی از ازدواج روبه رو می شود که هیچ سنخیتی با فرهنگ و آداب و رسوم شهر خودش ندارد. مسئله زمانی مهمتر می شود که سبک ازدواج نیمه مدرن هم در فضای دانشگاه و هم در فضای بیرون آن رخ می دهد. این یعنی برای سبک ازدواج نیمه مدرن هیچ محدودیت مکانی وجود ندارد و حتی این مسئله به قشر خاصی هم تعلق ندارد. بنابراین، مخاطب سعی می کند سبک زندگی خودش را با سبک زندگی مطلوبی که در رسانه به آن تأیید می شود، هماهنگ کند. می توان گفت که تولید این نوع محصولات در پایتخت کشور به نوعی تولیدکننده و صادرکننده فرهنگ و به ویژه سبک زندگی و سبک ازدواج به سایر شهرهای کشور است.

-نمای دوربین: براساس نماهای گرفته شده از شخصیت‌های مختلف فیلم می‌توان نتیجه گرفت که نمای دوربین، زمان نشان دادن روابط بین افراد در هر دو مورد ازدواج به سبک مدرن یا نیمه مدرن در نمایی نزدیک نمایش داده شده‌اند. برای مثال در طول سریال در صحنه‌های متعددی نماهای دونفره‌ای از سعید و بیتا در موقعیت‌های دونفره دیده می‌شود که گاهی از نمای بسیار نزدیک و گاهی از نمای نزدیک هستند. همین نما در روابط بین ساسان و شیدا که نماینده سبک ازدواج مدرن هستند دیده می‌شود. ازسوی دیگر همین نوع رابطه در روابط بین ریحانه و علی و بین لیلا و محسن هم وجود دارد که به نوعی نماینده سبک ازدواج نیمه مدرن هستند. در مورد علی و لیلا چیزی که مجوز این دیدارهای دونفره را فراهم می‌کند اجازه رضا پدر ریحانه است. اگرچه این مورد در مورد لیلا و محسن به گونه دیگری است؛ یعنی رابطه آن دو فقط براساس آشنایی گذشته و محرمیتی است که حدود بیست سال پیش بین آنها بوده است، ولی به هم خورده است. درواقع گویی در سریال از نظر پرداخت، موازنه‌ای بین هر دو سبک ازدواج در ظاهر قائل است و تنها چیزی که بین این دو نوع سبک ازدواج تفاوت ایجاد می‌کند ماهیت و نهایت این روابط است.

-زاویه دوربین: بررسی زوایای دوربین به کار رفته برای تصویربرداری از شخصیت‌های فیلم نشان می‌دهد که شخصیت‌های مختلفی که درصدد ازدواج با یکدیگر بودند از زاویه دوربین هم طراز نشان داده شده‌اند. این زاویه موجب احساس همدلی و همدردی با شخصیت‌های سریال که درصدد ازدواج‌های مدرن و یا نیم‌مدرن هستند، می‌شود.

-صداها (گفت‌وگوها): درگیر شدن عواطف و احساسات به جای عقل و منطق در ازدواج مدرن: «سعید: یه نیرویی آدمو می‌کشونه اینجا من نمی‌دونم چیه؟ چرا می‌خندی؟ بیتا: به قیافت نمیداد آخه این جور حرف بزنی». «سعید: یه چیزی بگم. من اون اولاً خیلی ازت بدم می‌اومد. فکر می‌کردم تو از اون دخترای بدجنس خودخواهی. بیتا: خب فهمیدی اشتباه کردی معذرت خواهی کن. سعید: آره من اشتباه می‌کردم. من اون دختری که تو رؤیاهام بهش فکر می‌کردم یه چیزی بود تو مایه‌های خودت. خیلی جدی گفتم. بیتا: خیلی خوب بابا حالا چرا فکر می‌کنی که

من به دردت می خورم؟ سعید: فکر کن حالا آدم گاهی وقتام تو زندگیش یه اشتباهایی می کنه. شوخی کردم».

۲. نمودهای ازدواج سنتی

«مرضیه: نیما تو یه مراسم زهره رو دید اومد به من و محسن گفت. محسنم پادرمیونی کرد و حق بزرگی رو به جا آورد».

۳. عنصر صداقت در ازدواج به سبک نیمه مدرن

«ریحانه: صداقت برای من خیلی مهمه. علی: برای منم مهمه، اما اگه اجازه بدین سعید رو پیدا می کنم و بهتون می گم کی صداقت نداشته. ریحانه: من کاری به سعید ندارم. علی: خب نباید اون حرفو می زد. ریحانه: چرا نباید؟ علی: چراشو خودش بهتر می دونه. ریحانه: ببخشید من کلاس دارم».

۴. پذیرفته نبودن روابط غیر متعارف در خانواده های مذهبی

«سعید: کاش تو هم میومدی. بیتا: اِراست میگی خب بریم. سعید: جدی میای؟ بیتا: آره. سعید: نمی شه که، من اول باید تو رو معرفی کنم یه جور. بیتا: خب بگو من یکی از دوستاتم. سعید: نه دوست که نمیشه. ما اصلاً از اون خانواده ها نیستیم. باید بگم به عنوان...».

۵. تعارض ازدواج مدرن با عقاید و مناسک مذهبی

«بیتا: این عمو فرهادت چه جور آدمیه؟ سعید: می بینیش حالا. بیتا: چی می بینمش؟ سعید: آره دیگه رابطه که از یه حدی بالاتر میره خانواده ها طبیعتاً باید در جریان قرار بگیرن. چرا می خندی؟ جدی دارم صحبت می کنم. من دارم دو قدم جلوتر و می بینم. کلاً به فکر آینده ام. بیتا: اصلاً فکرشم نکن. سعید: چرا؟ بیتا: به هزارویک دلیل. اولیش: همین نماز خونندن تو. سعید: ببینم تو واقعاً خدا رو قبول نداری؟ بیتا: ای بابا قبولش که دارم. کاری باهاش ندارم چون اونم کاری با من نداره. سعید: اشتباه میکنی.

بیتا: سعید، من و تو هیچ نظر مشترکی با هم نداریم. سعید: هرکسی آزاده هرطوری که می خواد فکر کنه مهم علاقه است که...».

۶. ادامه ارتباط دوستی بدون اندیشه ازدواج

«محسن: گفתי بهش علاقه داری گفتم می‌خوای باهاش ازدواج کنی؟ سعید: من حرف از ازدواج زدم. مگه دوستی هر دختر و پسری معنیش ازدواجه؟ محسن: دوستی دختر و پسر؟ سعید: آره بابا دوستی. من و بیتا با هم دوستیم تصمیمی هم برای ازدواج نداریم».

۷. نامتعارف بودن رابطه پیش از ازدواج در افراد مذهبی

«محسن: سلام. لیلا: سلام حالتون خوبه؟ محسن: خوبم. لیلا: زنگ زد موبایلتون جواب ندادین این بود که اومدم اینجا. مرضیه: آخه بچه‌ها گوشه‌ی محسن و بی‌صدا کردن که بتونه بخوابه. لیلا: آ... اِ ببخشید دست خالی اومدم. محسن: خواهش می‌کنم. حالا چرا وایسادین بفرمایید بفرمایید بشینید. لیلا: اِ نه ممنونم. ممنونم. همین‌طور خوبه. مرضیه: من پایین چایی تازه دم دارم، برم بیارم. محسن: آره خوبه. دستت درد نکنه مرضیه جان. لیلا: نه مرضیه جان همین الان پایین چایی صرف شد. اِ بهتره دیگه من برم».

۸. مخالفت خانواده سنتی با ازدواج به سبک مدرن

«سعید: سلام عمه میگم من با چیز اومدم. مرضیه: چیز چیه؟ سعید: بیتا دیگه همون دختری که براتون گفتم. مرضیه: تو چه غلطی کردی؟ سعید: هیس عمه ما که کاری نکردیم که ما نیتمون ازدواجه. بیتا: راست میگه عمه جون سلام. یه وقت فکر نکنین من از این دخترای بی‌فکرم. نه سعید اصرار داشت من و بهتون معرفی کنه...».

۹. تأکید بر رسم و رسومات در ازدواج سنتی

«مرضیه: سعید میگه که قصد ازدواج دارین؟ میدونی که ازدواج قانون خودش رو داره رسم و رسوماتی داره که باید رعایت بشه. بیتا: بله میدونم. مرضیه: اینم میدونی که اول پسر باید بره خونه دختر. اونم با خانواده. بیتا: الان یکم رسم و رسوما عوض شده. مرضیه: ولی رسم و رسوما ما عوض نشده».

۱۰. نقش مستقل جوانان در ازدواج نیمه‌مدرن

«ریحانه: بابا بگم امروز علی آقا بیاد باهاتون صحبت کنه؟ رضا: من چرا بابا، من که پیشنهادمو دادم حالا خودتون باید تصمیم بگیرید. ریحانه: خب ما موافقیم. رضا: خیلی خوب پس پنجشنبه آینده جشن میلاد است مراسم عقد رو همین جا برگزار می‌کنیم. دو سه ماه بعد مراسم عروسی چگونه؟».

۶-۲. موسیقی

در استفاده از موسیقی هم گاه در برخی ملاقات‌های بین سعید و بیتا از نوع موسیقی آرام و دلنشین استفاده می‌شود به طوری که این سبک استفاده از موسیقی باعث هم‌ذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستان می‌شود. در واقع عشقی که مبنای غلط دارد با همراهی موسیقی، حالتی روحانی و مقدس پیدا می‌کند. هرچند در مواقعی که قرار است بیتا محور شرارت معرفی شود موسیقی حالتی مرموز و تفکربرانگیز دارد.

۶-۲-۱. رمزگان‌های اجتماعی

از آنجاکه در سریال، محوریت با افراد مذهبی است رمزگان‌های اجتماعی هم متناسب با این مسئله ارائه شده است. در نوع پوشش هم افراد مذهبی سریال پوشش متعارف قشر مذهبی را دارند. مردان سریال در فضاهای رسمی و بیرون از خانه از پوشش کت و شلوار و در خانه هم پوشش‌های معمولی دارند. خانم‌های مذهبی سریال هم در محیط‌های بیرون از خانه و هم در مقابل نامحرمان پوشش چادر دارند. در مقابل افراد غیرمذهبی و لاقید، پوشش‌هایی به ظاهر جدید دارند که بارزترین نمود آن‌را می‌توان در شخصیت‌هایی چون بیتا، شیدا، سعید و سامان دید، حتی نوع چهره‌پردازی در بیتا هم غلیظ و جلب‌توجه‌کننده است که به ظاهر با نوع تیپ شخصیتیش سازگاری دارد. نوع رفتار و برخورد در میان افراد مذهبی بیشتر مؤدبانه است. این افراد در نوع رفتار خود همیشه سعی می‌کنند احترام به بزرگ‌تر را حفظ کنند. مبادی آداب هستند. در میان آن‌ها حریم‌ها شناخته شده و قابل احترام است. کوچک‌ترها از بزرگ‌ترها حرف شنوی دارند

و بزرگ‌ترها همواره در حال راهنمایی و نصیحت کردن کوچک‌ترها هستند. نماز خواندن، به مسجد رفتن، شرکت در برنامه‌های اجتماعی، پرهیز از مال حرام، تلاش برای امرار معاش از راه حلال و کسب و کار از دیگر خصوصیات این گروه است که نماد مذهبی بودن را در این افراد تقویت می‌کند. پایبندی خود افراد به مناسک دینی و ترغیب فرزندان به رعایت و اجرای این مناسک نیز از دیگر ویژگی‌های این گروه است. می‌توان گفت که در این خانواده‌ها سبک زندگی اسلامی رواج دارد. به دلیل روابط خانوادگی هم خانواده در قشر مذهبی اهمیت زیادی دارد. چنانچه در طول سریال مشاهده می‌شود در موارد مختلف همه اعضای خانواده به کمک یکدیگر می‌آیند و از راه‌های مختلف سعی در کمک و یاری یکدیگر دارند. سرنوشت هریک از اعضای خانواده برای سایر اعضا اهمیت دارد همان‌طور که اعضای خانواده بسیج می‌شوند تا سعید را از مسیر غلطی که در آن افتاده است، نجات دهند و هم آنها تلاش می‌کنند تا ارتباط محسن و لیلا به مسیر ازدواج ختم شود.

۶-۲-۲. رمزگان‌های ایدئولوژی

- مفهوم اصلی: مضمون اصلی داستان سریال فاصله‌ها ارائه سبک‌های مختلف ازدواج از جمله ازدواج‌های مدرن (ناشی از دوستی‌های خیابانی) است که البته به صورت نامحسوس و گاه ملموس عامل اصلی این امر را در فاصله نسل‌ها دانسته و این حقیقت را در قالب پرداختن به مسائل و مشکلات خانوادگی در خانواده‌های سنتی در جامعه در حال گذار ایران به تصویر می‌کشد. رسانه ملی با پرداختن به این مهم در دل یک درام خانوادگی با داستان‌های فرعی مختلف سعی دارد با ارائه راهکاری منطقی به اختلافات فیصله دهد. در طول داستان مشاهده می‌شود سعید که خود را پسری دانشجو و امروزی می‌داند طرز فکرش را در تضاد با پدرش می‌بیند. از همین رو نمی‌خواهد مانند سایرین خودش را زیر سیطره آداب و رسوم و سنت قرار دهد. او می‌خواهد خودش تجربه‌ای مستقل و متفاوت در ازدواج داشته باشد و برای یافتن فرد مورد علاقه‌اش تصمیم می‌گیرد از راه دوستی با جنس مخالف وارد کار شود. این تصمیم سعید او را در معرض نقد و انتقاد خانواده قرار می‌دهد. برخی از افراد خانواده از راه منازعه و تهدید و برخی از

راه منطقی و گفت‌وگو سعی دارند سعید را متوجه اشتباهی که مرتکب شده است، کنند. در نهایت هم سعید متوجه می‌شود که بیتا فرد سالمی نیست و نمی‌تواند شریک زندگی مناسبی برای او باشد. از طرف دیگر جوانی مانند سعید که به این فهم رسیده است که ازدواج از راه دوستی‌های خیابانی آخر و عاقبت خوشی ندارد، نیاز دارد که سبک ازدواج درست را بیاموزد. سبک ازدواجی که رسانه ملی به این دسته از جوانان ارائه می‌کند همان سبک ازدواج نیمه‌مدرن است که سبکی مطلوب و حتی قابل تجویز به نسل‌های گذشته هم هست.

-دسته‌بندی مفاهیم: مخالفت جمعی با ازدواج ناشی از دوستی‌های خیابانی: یکی از مسائلی که در فیلم بر روی آن به شدت تأکید شده و صداوسیما که رسانه‌ای تأثیرگذار بوده و درصدد مطرود به‌شمار آوردن آن است روابطی است که از راه دوستی‌های نامشروع ایجاد می‌شود. در این سریال دو رابطه عاشقانه به تصویر کشیده شده است: یکی رابطه بین ساسان و شیدا و دیگری رابطه بین سعید و بیتا که هر دو شکست می‌خورند و این یعنی، چنین روابطی عواقب خوشایندی ندارد. در صورت رسیدن به ازدواج هم مثل رابطه بین مهران و صبا - داماد و دختر لایلا - باز هم این زندگی محکوم به فنا و ازهم‌پاشیدگی است. نکته مهمی که در سریال از آن غفلت شده این است که به مخاطب القا می‌کند که این نوع روابط فقط برای دستیابی به موقعیت‌های مالی و مادی صورت می‌گیرد. در هر سه رابطه هم به صراحت روی این موضوع تأکید شده است. در صورتی که اگر این کار از اساس و بنیان نادرست و غیراخلاقی نشان داده شود باید سعی شود که مصادیق این نوع روابط عام‌تر شده و از سطح مادیات فراتر رفته و بعد عشقی و عاطفی قضیه را نیز دربرگیرد. در طول داستان دیده می‌شود که افراد خانواده نیز با این نوع روابط میانه خوبی ندارند و هریک از آنها در طول داستان با دیدن رابطه سعید و بیتا به شیوه‌ای اعتراض خود را نشان می‌دهند. برای مثال نیما و علی زمانی که سعید و بیتا را باهم می‌بینند نگاهی سرزنش‌آمیز به آن دو می‌اندازند. ریحانه با صحبت کردن با بیتا سعی دارد به رابطه بین این دو پایان دهد. محسن و مرضیه هم در برخوردهای خودشان مدام سعید را به دلیل داشتن این رابطه سرزنش می‌کنند. در واقع سریال به این مسئله اشاره دارد که این نوع روابط در فضاهای دینی و عرفی مرسوم جامعه نه‌تنها پذیرفته شده نیست، بلکه مورد مذمت

هم هست. عده قلیلی از افراد هم که پایبندی به اصول و اخلاقیات دینی ندارند نسبت به این روابط بی تفاوت هستند مانند پدر شیدا که با وجود اعتراض محسن به رابطه پسرش سعید با دختر او شهره نه تنها این رابطه را مذموم نمی‌داند، بلکه بر آن مهر تأیید هم می‌نهد.

۷. گرایش برخی از جوانان مذهبی جامعه به ازدواج مدرن (از راه دوستی)

سعید در داستان، پسری دانشجویست که در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده است. او به اصول و عقاید دینی پایبندی دارد و حتی زمان دوستی با بیتا هم اگرچه مرتکب عملی مخالف با اصول و عقاید دینی خود شده است، اما باز هم دست از نماز خواندنش بر نمی‌دارد و حتی به این دلیل از طرف بیتا مورد اعتراض قرار می‌گیرد. ارائه این شخصیت به این گونه در واقع نشان دهنده این موضوع است که برخی از جوانان مذهبی هم در صورت فراهم بودن زمینه‌های نادرست ممکن است در این مسیرهای غیراخلاقی قرار بگیرند. درجایی سعید وجود این نوع رابطه را برای شناخت بیشتر برای فراهم شدن زمینه ازدواج معرفی می‌کند و در واقع با این برچسب درصدد مشروعیت بخشیدن به این نوع رابطه است. اهمیت این موضوع بیشتر به این دلیل است که به نظر می‌رسد صرف آموزه‌های دینی در جوانان به تنهایی عامل بازدارنده از کشیده شدن جوانان به این راه نیست. بنابراین، باید در این زمینه توجهات لازم برای آموزش صحیح جوانان صورت گیرد.

۸. گرایش برخی از افراد مذهبی جامعه به ازدواج نیمه سنتی

در سریال فاصله‌ها مخاطب با دو ازدواج موفق یعنی، ازدواج علی و ریحانه و محسن و لیلا روبه‌روست که هر دو زوج هم افرادی مذهبی و متعلق به خانواده‌های مذهبی هستند. با وجود اینکه این افراد پایبندی به اصول و قواعد دینی دارند، اما دیده می‌شود که نوع رویکردها نسبت به ازدواج تطابق کافی با ازدواج سنتی ندارد. برای مثال علی صبوری برای اینکه با ریحانه حرف بزند معتقد است که باید از پدر او اجازه بگیرد. این مسئله توسط محسن بین خانواده رضا مطرح می‌شود و آنها هم براساس شناختی که از خانواده علی دارند پیشنهاد علی صبوری را می‌پذیرند. پس از کسب اجازه پدر، بدون اینکه جلسه خواستگاری صورت بگیرد صحبت‌های طرفین برای

شناخت بیشتر در محیط دانشگاه صورت می‌پذیرد. در طول داستان هم این ملاقات‌ها به کرات تکرار می‌شود و گاهی در جوی صمیمی، ولی همراه با احترام مسائل دیگری مانند مشکلات سعید هم بررسی می‌شود. در تمام طول سریال هم نسبت به سایر مسائل مربوط به ازدواج صحبتی صورت نمی‌گیرد و زمانی که این دو به این نکته می‌رسند که با هم تفاهم دارند جشن عقد و محرمیت صورت می‌گیرد.

در مورد لیلا و محسن هم باید گفت که آنها حدود بیست سال پیش با هم نامزد بوده‌اند، اما لیلا چون با جبهه رفتن محسن مخالف بوده باعث به هم خوردن این نامزدی می‌شود. ملاقات این دو پس از این همه سال به طور اتفاقی باعث بیدار شدن احساسات و عواطف پیشین در آنها می‌شود. در تمام طول داستان مشاهده می‌شود که این دو روابطی صمیمی باهم دارند، یکدیگر را با لفظ تو صدا می‌کنند، قرارهای ملاقات خصوصی ترتیب می‌دهند و در نهایت تصمیم می‌گیرند که با هم ازدواج کنند. نکته مهم در این مورد این است که سعید پسر محسن با دیدن نوع رابطه بین لیلا و محسن این نوع رابطه را چیزی شبیه رابطه خودش با بیتا می‌داند. از همین رو می‌خواهد با پدرش همان رفتاری را داشته باشد که پدرش با او داشته است. برعکس افراد موجه داستان مثل مرضیه و رضانه تنها این نوع رابطه را مذموم نمی‌دانند، بلکه با سکوت و رضایت ضمنی خود بر آن مهر تأیید می‌نهند.

دوم) مفاهیم غایب

- عدم پرداختن به سبک ازدواج سنتی به طور خاص: در سریال فاصله‌ها به میزانی که روی دو نوع سبک ازدواج یعنی، سبک ازدواج مدرن و نیمه‌مدرن تأکید می‌شود روی سبک ازدواج سنتی تأکید نمی‌شود. اگر هم در این باره صحبتی می‌شود تنها صحبت‌هایی است که درباره رسم و رسومات می‌شود، حتی اشاره صریح به رسم و رسومات هم صورت نمی‌گیرد. نیما و زهره درگیر مشکلاتی هستند که بین عروس و پدر شوهر یعنی، بین زهره و فرهاد رخ داده است. در مقابل، علی و ریحانه و به‌ویژه محسن و لیلا که مظاهر ازدواج نیمه‌مدرن هستند در حالی مشاهده می‌شوند که روابط عاطفی عمیقی ناشی از عشق و احترام بین آنها برقرار است. در واقع در پرداختن به ازدواج

نیمه مدرن از نمودهای بیشتری استفاده شده است که پذیرش و هم‌ذات‌پنداری در این مورد برای مخاطب بیشتر و مطلوب‌تر است.

-کم‌رنگ جلوه دادن نقش خانواده در مسائل مربوط به ازدواج: یکی از مسائلی که در طول سریال به آن توجه نشده نقش خانواده در شکل‌گیری پیوند ازدواج است. در مورد ازدواج علی و ریحانه اجازه گرفتن از خانواده دختر تنها مجوزی برای دیدارها و گفت‌وگوهای بین ایشان است. درجایی دیده می‌شود که آنها قرار است به همراه خانواده به خرید عروسی بروند. وقتی ریحانه به پدرش می‌گوید که علی می‌خواهد او را ببیند و از او اجازه بگیرد پدرش به او می‌گوید که نیازی به این کار نیست و صرف توافق دختر و پسر را برای این کار کافی می‌داند. از طرفی مادر دختر هیچ نقشی در جریان ازدواج دخترش ندارد به جز اینکه اعلام می‌کند که خانواده علی را می‌شناسد و در هیچ‌جا نمی‌بیند که ریحانه از مادرش درباره علی نظرخواهی کند. در مورد محسن و لیلان هم خانواده به جز اینکه به روابط بین آن دو صحنه بگذارند و برایشان جشن عقد بگیرند هیچ نقش مهم دیگری ندارند. تنها مانعی که بر سر ازدواج محسن و لیلانست لجبازی سعید است که با سربه‌راه شدن آن مشکل برطرف می‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

مسئله اصلی در پژوهش حاضر، بازنمایی سبک ازدواج در یکی از سریال‌های پربیننده تلویزیون یعنی، سریال فاصله‌ها در خانواده‌های مذهبی در دهه ۸۰ است. بنابراین، برای کشف چگونگی بازنمایی سبک‌های مختلف ازدواج از روش نشانه‌شناسی استفاده شده است. هرچند ازدواج واقعیتی تاریخی در ابعادی جهانی است که انواع مختلفی از الگوها را شامل می‌شود، اما شیوه نمایش تلویزیون از شیوه‌های همسرگزینی، همیشه صورتی محدود و هدفمند دارند. تلویزیون در فرایند نمایش ازدواج در دو دهه‌های اخیر سه‌نوع از الگوهای ازدواج را ارائه داده است: ازدواج سنتی، نیمه‌سنتی و مدرن. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حال حاضر ترویج دو سبک ازدواج سنتی و مدرن چندان در برنامه‌های سیما انجام نمی‌شود. در دهه‌های قبلی سبک ازدواج سنتی تنها سبک مورد ترویج بود، اما با پیدایش تحولات اجتماعی در سال‌های اخیر در دهه ۸۰ و

به دنبال آن تغییرات ارزشی روی داده در جامعه، ازدواج سنتی به حاشیه رفت؛ زیرا با وجود الگوهای رقیب، تلویزیون نمی‌توانست مخاطبان را به سمت این الگو جذب کند.

از سوی دیگر تلویزیون در مورد ازدواج مدرن نیز برخورد سلبی در پیش گرفته است؛ زیرا این رویکرد با ارزش‌های فرهنگی جامعه چندان سازگاری ندارد. بر همین اساس از دهه ۸۰ به بعد تلاش شد که سبک ازدواج نیمه‌سنتی، الگوی مطلوبی در سیما باشد. این امر به این دلیل است که جامعه ایران در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است و از آنجاکه ارزش‌ها و الگوهای غربی متناسب با ساختار فرهنگی و ارزشی جامعه نیست و حتی در برخی زمینه‌ها در تضاد و تقابل است برنامه‌سازان تلاش دارند در برنامه‌های تلویزیونی آسیب‌ها و معایب سبک زندگی غربی و ابعاد آن از جمله سبک ازدواج را به تصویر بکشند. در چنین وضعیتی باید الگوی مناسبی را به جامعه معرفی کنند که جایگزین الگوی تأثیرپذیر از مدرنیسم شود. بر همین اساس است که به ترویج سبک ازدواج نیمه‌سنتی می‌پردازد. سبک ازدواجی که در سریال فاصله‌ها به آن تأکید شده است سبک ازدواج نیمه‌سنتی است. تلویزیون در ارائه این سبک ازدواج در سریال مذکور بر استقلال و اهمیت نظر فرد بدون دخالت مستقیم خانواده‌ها و همچنین ارتباط و آشنایی دختر و پسر با نظارت کم‌رنگ خانواده‌ها تأکید می‌کند. به نظر نویسندگان، تأثیر تلویزیون بر افراد جامعه در زمینه ازدواج، شامل ضرورت آشنایی‌های قبل از ازدواج دختر و پسر، ضرورت انتخاب فردگرایانه مستقل از دخالت والدین در فرایند انتخاب همسر و تشکیل الگوی جدیدی از خواستگاری است. این تأثیرهای نگرشی با توجه به بافت مذهبی و سنتی جامعه و همچنین محدودیت‌های فرهنگ و عرف جامعه ایرانی مربوط به روابط دختر و پسر می‌تواند نقش مهمی در تأخیر ازدواج^۱ ایفا کند. تأثیرات نگرشی مؤثر دیگر شامل: تمایل به ادامه تحصیل در دختران، گرایش به اشتغال در

دختران، ترس از ازدواج^۱ و عدم اعتماد به جنس مخالف است که از عوامل مؤثر در پدیده تأخیر ازدواج محسوب می‌شود.

فهرست منابع

۱. احمدی، امیدعلی (۱۳۸۱). تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران. تهران: ناشر راه‌دان.
۲. استوارت، هال (۱۳۸۷). گزیده‌هایی از عمل بازنمایی، نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات فرهنگی و رسانه. مترجم: شاه قاسمی، احسان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. اُسولویان، تام، هارتلی، جان، ساندرز، دانی، و فیسک، جان (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات. مترجم: رئیس‌زاده، میرحسین. تهران: فصل نو.
۴. اسماعیلی، رفیع‌الدین (۱۳۹۰). بازنمایی الگوی شخصیت مرد در سینمای ایران (ارزیابی آن براساس فرهنگ اسلامی-ایرانی). پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۵. بستان، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: چاپ زیتون.
۶. حبیب‌پورگتایی، کرم، و دیگران (۱۳۹۲). بازنمایی اشتغال زنان و نقش آن در ساختار خانواده. نشریه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۳، ۶۹-۱۰۴.
۷. جعفری، علی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی بازنمایی ازدواج در سینمای ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۸. چندلر، دانیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. مترجم: پارسا، مهدی. تهران: سوره مهر.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
۱۰. صادقی‌فسایی، سهیلا (۱۳۹۰). بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی. نشریه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۲، ۶۹-۹۴.
۱۱. ضیمران، محمد (۱۳۸۵). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: انتشارات قصه.
۱۲. فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ تلویزیون. مترجم: برومند، مژگان. نشریه ارغنون، شماره ۱۹، ۱۲۵-۱۴۲.
۱۳. مریجی، شمس‌الله (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در کج‌روی و نقش خانواده در آن. قم: دفتر نشر معارف.
۱۴. محبی، سیده فاطمه (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران. تهران: دفتر نشر معارف.
۱۵. مهکام، رضا (۱۳۸۳). تصویر ازدواج در رسانه ملی. نشریه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۷(۲۵)، ۲۴۱-۲۶۷.
16. Hal.s. (2003). *representatio*. london: sage publication
17. deely,j, hartley, j. (1990). *reading television*, oxford: routledge.
18. van leewen. T. Jewitt, c (2002) *handbook of visual analysis*, london: sage publication .
19. johanson, j.larsen, s. (2002). *sings in use: an introduction to semiotics*, new york: routledge

۱. به طور کلی به معنای عدم اطمینان به موفقیت ازدواج گفته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱).